**همراه با معصومان در شب قدر**

شب قدر در فرهنگ قرآن و روايات از جايگاه بس عظيمى برخوردار است تا آنجا كه شب قدر در قرآن برابر با هزار ماه دانسته شده، و شب نزول قرآن، و شب تعيين تقديرات يكسال و شب مبارك معرفى شده است.  
و در روايات هم تعبيرات زيبايى از شب قدر آمده است، همچون شب بخشيده شدن گناهان و اينكه هر كس در آن شب بخشيده نشود، مورد نفرين خدا واقع مى‌شود.(1)  
و پيامبر اكرم صلى‌الله‌عليه‌و‌آله فرمود: «مَنْ حُرِمَها فَقَدْ حُرِمَ الْخَيْرَ كُلَّهُ؛(2) هر كس از شب قدر محروم گردد، از تمام خيرات بى‌نصيب شده است.»  
با توجّه به عظمت شب قدر جا دارد كه براى نحوه بهره‌گيرى و بهره‌بردارى بيشتر از فيضهاى معنوى آن، سيرى در سيره پيشوايان معصوم عليهم‌السلام در شب قدر داشته باشيم. باشد كه ره توشه‌هايى از آن برگيريم.  
البته، اذعان داريم كه همه حالات معصومان عليهم‌السلام در اين شب با عظمت و ارتباطى كه با عالم بالا و ملكوت داشته و دارند، نه قابل درك و فهم غير معصومان است و نه در تاريخ انعكاس يافته است. آنچه بيان مى‌شود، فقط گوشه‌هايى از رفتارهاى ظاهرى آنان است، نه عمق و ژرفاى حالات آنها. پس آنچه در پيش رو داريد، گامى است در اين مسير.

الف. عبادت و شب زنده‌دارى

از اعمالى كه در طول سال، مخصوصا شبهاى مبارك رمضان و على الخصوص در شب قدر بدان سفارش اكيد شده است، اِحْيا و شب زنده‌دارى است. پيامبر اكرم صلى‌الله‌عليه‌و‌آله فرمود: «مَنْ اَحْيا لَيْلَةَ الْقَدْرِ حُوِّلَ عَنْهُ الْعَذابُ اِلَى السَّنَةِ الْقابِلَةِ؛(3)كسى كه شب قدر را زنده بدارد، عذاب تا سال آينده از او روى مى‌گرداند.»  
و معصومان عليهم‌السلام همه اين سنت حسنه را پاس و گرامى مى‌داشتند و از آن بهره مى‌بردند:  
1. پيامبر اكرم صلى‌الله‌عليه‌و‌آله نه تنها در شب قدر بيدار بود، بلكه دهه سوم ماه مبارك رمضان كاملاً بستر خواب را جمع مى‌كرد و به عبادت مى‌پرداخت. حضرت على عليه‌السلام در اين باره فرموده است: «أنَّ رَسُولَ اللّهِ كانَ يَطْوى فِراشَهُ وَ يَشُدُّ مِئْزَرَهُ فِى الْعَشْرِ الاْءَواخِرِ مِنْ شَهْرِ رَمَضانَ وَ كانَ يُوقِظُ أَهْلَهُ لَيْلَةَ ثَلاثٍ وَ عِشْرينَ وَ كانَ يَرُشُّ وُجُوهَ النِّيامِ بِالْماءِ فى تِلْكَ اللَّيْلَةِ؛(4)رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌و‌آله [اين چنين] بود كه رخت‌خواب خويش را جمع مى‌كرد و كمربند [همّت براى عبادت] را در دهه آخر از ماه رمضان محكم مى‌بست و هميشه اين گونه بود كه اهل و عيالش را در شب بيست و سوم بيدار نگه مى‌داشت و بر روى خواب رفتگان در آن شب آب مى‌پاشيد [تا از درك شب قدر، و درك شب زنده‌دارى محروم نشوند].»  
حتى در شبهاى بارندگى در حالى كه مسجد مدينه سقف نداشت، عبادت و شب‌زنده‌دارى را ترك نمى‌كرد و ديگران را با رفتار خويش وا مى‌داشت كه در همان گل و باران بيدار باشند و نماز گزارند.(5)  
2. امام على عليه‌السلام نيز در طول سال، شب هنگام آن گاه كه شب پرده‌هاى تاريكى را انداخته بود، بيدار مى‌شد و مشغول عبادت و شب‌زنده‌دارى مى‌گشت.(6) اما در شبهاى قدر حال ويژه‌اى داشت و در بدترين وضعى كه مسجد مدينه را آب و گل فرا گرفته بود، مشغول عبادت و شب‌زنده‌دارى مى‌شد و به ويژه در شب قدر آخر عمر خويش، حال فوق العاده عجيبى داشت كه بعدا به آن اشاره مى‌شود.  
3. فاطمه زهرا عليهاالسلام نيز آن قدر عبادت مى‌كرد كه امام حسن عليه‌السلام مى‌فرمايد: «ما كانَ فِى الدُّنْيا اَعْبَدَ مِنْ فاطِمَةَ عليهاالسلام ، كانَتْ تَقُومُ حَتّى تَوَرَّمَ قَدَماها؛(7) عابدتر از فاطمه عليهاالسلام در دنيا نبود؛ هميشه اين گونه بود كه آن قدر به عبادت مى‌ايستاد كه پاهاى [مباركش[ ورم مى‌كرد.»  
علت نام‌گذارى او به «زهرا» نيز اين است كه شبها نور عبادت و شب بيدارى او به سوى آسمان مى‌تابيد(8) و امّا در شب قدر، حال به خصوصى داشت، نه تنها بيدار بود كه بچه‌ها و فرزندان خويش را نيز وادار مى‌كرد كه شب بيدار باشند؛ چنان كه در روايتى مى‌خوانيم: «وَ كانَتْ فاطِمَةُ عليهاالسلام لا تَدَعُ اَحَدا مِنْ اَهْلِها يَنامُ تِلْكَ اللَّيْلَةَ وَ تُداويهِمْ بِقِلَّةِ الطَّعامِ وَ تَتَأَهَّبُ لَها مِنَ النَّهارِ وَ تَقُولُ مَحْرُومٌ مَنْ حُرِمَ خَيْرَها؛(9) روش فاطمه عليهاالسلام اين بود كه هيچ فردى از خانواده خويش را نمى‌گذاشت در آن شب (بيست و سوم) بخوابد و [مشكل خواب] آنها را با كمى غذا و آمادگى در روز درمان مى‌نمود و مى‌فرمود: محروم است كسى كه از خير [و بركت] آن شب محروم شود.»  
4. امام باقر عليه‌السلام فرمود: «هر كس شب قدر را احيا بدارد، خداوند مهربان گناهان او را مى‌آمرزد.»(10) و شيخ عباس قمى نقل كرده كه «امام باقر عليه‌السلام در شب بيست و يكم و بيست و سوم تا نيمه شب دعا مى‌خواند و آن گاه به نماز مى‌پرداخت.»(11)  
5. امام هفتم عليه‌السلام نيز اهل شب‌زنده‌دارى و عبادت در طول سال بود. در زيارت‌نامه آن حضرت مى‌خوانيم: «او شبها تا سحر بيدار بود، و طلب آمرزش مى‌كرد و همدوش سجده‌هاى طولانى، چشم گريان و اشكبار، و مناجات بسيار و زاريهاى پيوسته و پى‌درپى بود.»(12)وقتى حضرت در غير رمضان چنان باشد، حالِ آن حضرت در شب قدر براى ما قابل توصيف نخواهد بود.  
او نه تنها خود شب‌زنده‌دارى و عبادت داشت كه به ديگران نيز مى‌فرمود: «مَنِ اغْتَسَلَ لَيْلَةَ الْقَدْرِ وَ أَحْياها اِلى طُلُوعِ الْفَجْرِ خَرَجَ مِنْ ذُنُوبِهِ؛(13)كسى كه در شب قدر غسل كرده و تا سپيده صبح شب‌زنده‌دارى كند، گناهانش آمرزيده مى‌شود.»  
6. امام حسن عسكرى عليه‌السلام نيز چون پدران خود، اهل مناجاتهاى طولانى و شب‌زنده‌دارى در طول سال و مخصوصا در شب قدر بود.(14) و به شيعيان خود نيز اين اعمال را اكيدا سفارش مى‌كرد.  
از جمله، مى‌فرمود:«فَلا يَفُوتُكَ إِحْياءُ لَيْلَةِ ثَلاثٍ وَ عِشْرينَ؛(15)پس بيدارى در شب بيست و سوم را از دست نده!»

ب. حضور در مسجد

از مسائلى كه معصومان عليهم‌السلام نسبت به آن حساسيت ويژه نشان داده‌اند، حضور در مسجد، در شب قدر است. قبلاً اشاره شد كه پيامبر اكرم صلى‌الله‌عليه‌و‌آله حتى در شبهاى بارانى و گل بودن مسجد مدينه، حضور در آن را در شبهاى قدر ترك نمى‌كرد. از آن بالاتر، پيامبر اكرم صلى‌الله‌عليه‌و‌آله در دهه سوم ماه مبارك رمضان، شب و روز در مسجد معتكف بود. (اين همان سنّت حسنه‌اى است كه در سالهاى اخير در بسيارى از شهرها، از جمله «قم» در ايّام ماه رجب ـ سيزدهم تا پانزدهم - زنده شده است و بايد دانست كه بهترين زمان براى اعتكاف، ماه مبارك رمضان است.)  
امام على عليه‌السلام در اين زمينه مى‌فرمايد: «فَلَمْ يَزَلْ يَعْتَكِفُ فِى الْعَشْرِ الاْءَواخِرِ مِنْ رَمَضانَ حَتّى تَوَفّاهُ اللّهُ؛(16) پس [پيامبر اكرم صلى‌الله‌عليه‌و‌آله ] هميشه در دهه آخر ماه رمضان در حال اعتكاف بود تا آن وقت كه خداوند او را گرفت.» يحيى بن رزين نقل نموده كه «كانَ اَبُو عَبْدِ اللّهِ مَريضا مُدْنِفا فَأَمَرَ فَأُخْرِجَ اِلى مَسْجِدِ رَسُولِ اللّهِ فَكانَ فيهِ حَتّى أَصْبَحَ لَيْلَةَ ثَلاثٍ وَ عِشْرينَ مِنْ شَهْرِ رَمَضانَ؛(17)امام صادق عليه‌السلام بيمارى شديدى داشت، دستور داد او را به مسجد پيامبر صلى‌الله‌عليه‌و‌آله [با همان حال] ببرند. پس حضرت تا صبح شب بيست و سوم ماه رمضان در آنجا باقى ماند.»  
موارد فوق نشان مى‌دهد كه حضور در مساجد، در شبهاى با عظمت قدر خصوصيتى دارد كه بايد بدان توجه شود. و پيروان اهل بيت عليهم‌السلام شايسته است كه به خوبى از مساجد استقبال نمايند.

ج. مراسم قرآن سرگرفتن

يكى ديگر از اعمال شب قدر كه در سيره معصومان ديده مى‌شود و بحمد اللّه، در جامعه تشيّع به خوبى جاى خود را يافته است، مراسم قرآن سرگرفتن است. امام صادق عليه‌السلام در اين باره فرمود: «براى سه شب قرآن كريم را مقابل خود قرار دهيد و آن را بگشاييد و بخوانيد: «اَللّهُمَّ اِنّى أَسْئَلُكَ... .»(18)  
د. برپايى نماز جماعت  
از عباداتى كه سخت در اسلام بر آن سفارش شده، مخصوصا در ماه مبارك رمضان، برپايى نماز جماعت است. انس بن مالك از پيامبر گرامى اسلام صلى‌الله‌عليه‌و‌آله نقل كرده كه فرمودند: «مَنْ صَلّى مِنْ اَوَّلِ شَهْرِ رَمَضانَ اِلى آخِرِه فى جَماعَةٍ فَقَدْ اَخَذَ بِحَظٍّ مِنْ لَيْلَةِ الْقَدْرِ؛(19) كسى كه از اوّل تا آخر ماه رمضان در نماز جماعت حاضر شود، بهره‌اى از شب قدر گرفته است.» و امام صادق عليه‌السلام نيز نماز صبح را به جماعت برگزار مى‌نمود، و بعد از آن تا مدّتى مشغول تعقيبات مى‌شد.(20)  
موارد فوق نشانگر اهميت نماز جماعت در شبهاى قدر است كه متأسفانه برخى مساجد ما در اين زمان، نماز جماعت صبح را برپا نمى‌دارند و آنهايى هم كه جماعت دارند، صبح شب قدر نماز جماعت را تعطيل مى‌كنند و بعد از مراسم قرآن سرگرفتن، همه به منازل خويش مى‌روند كه گاه باعث فوت نماز صبح مى‌شود.  
ولى پيامبر اكرم صلى‌الله‌عليه‌و‌آله و ياران او و ديگر معصومان عليهم‌السلام در سخت‌ترين شرائط نماز جماعت شب قدر را ترك نمى‌كردند. حضرت على عليه‌السلام مى‌فرمايد: «شب بيست و سوم در عين حالى كه باران شديدى آمده بود و مسجد مدينه را گل و آب فرا گرفته بود، رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌و‌آله ما را به نماز وامى‌داشت.» آن گاه فرمود: «فَصَلّى بِنا رَسُولُ اللّهِ صلى‌الله‌عليه‌و‌آله وَ إِنَّ أَرْنَبَةَ اَنْفِهِ لَفِى الطّينِ؛(21) پس رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌و‌آله با ما نماز[جماعت] خواند، در حالى كه نوك بينى حضرت در گل [فرو رفته[ بود.»

ه . افطارى دادن و اطعام نمودن

از اعمالى كه در ماه مبارك رمضان مورد تأكيد قرار گرفته، افطارى دادن به ديگران است. پيامبر اكرم صلى‌الله‌عليه‌و‌آله در خطبه معروف شعبانيه مى‌فرمايد:«مردم بيدار باشيد! كسى كه از شما به روزه‌دار مؤمن در اين ماه افطارى دهد، پاداش آزاد نمودن يك برده و بخشش گناهان گذشته را همراه دارد. عرض شد: اى رسول خدا! ما توان افطارى دادن نداريم. حضرت فرمود: بترسيد از آتش! ولو با دادن نصف دانه خرما و از آتش بپرهيزيد! گر چه با دادن شربت آب باشد.»(22)  
پيامبر اكرم صلى‌الله‌عليه‌و‌آله از كسانى بود كه هر چه به ديگران مى‌فرمود، خود بيش از ديگران بدان عمل مى‌نمود و در اين مورد نيز چنين است. «ابو شيخ ابن حيان» از پيامبر اكرم صلى‌الله‌عليه‌و‌آله نقل كرده كه حضرت فرمود: «مَنْ فَطَرَ صائِما فى شَهْرِ رَمَضانَ مِنْ كَسْبٍ حَلالٍ صَلَّتْ عَلَيْهِ الْمَلائِكَةُ لَيالِىَ رَمَضانَ كُلَّها وَ صافَحَهُ جَبْرائيلُ لَيْلَةَ الْقَدْرِ وَ مَنْ صافَحَهُ جَبْرائيلُ يَرِقُّ قَلْبُهُ وَ تَكْثُرُ دُمُوعُهُ...؛(23)كسى كه با مالى كه از راه حلال به دست آورده در ماه رمضان روزه‌دارى را افطارى دهد، در تمام شبهاى رمضان فرشتگان بر او درود مى‌فرستند و جبرئيل در شب قدر با وى مصافحه مى‌كند و هر كس جبرئيل با او مصافحه كند، قلبش نرم و اشك چشمش زياد شود.»  
امام على عليه‌السلام نيز در شبهاى مبارك رمضان و شبهاى قدر به مردم اطعام مى‌كرد و آنها را موعظه مى‌نمود؛ چنان كه در روايتى مى‌خوانيم: «كانَ عَلِىُّ بْنُ أَبى طالِبٍ عليه‌السلام يَعُشُّ النّاسَ فى شَهْرِ رَمَضانَ بِاللَّحْمِ وَ لا يَتَعَشّى مَعَهُمْ فَإِذا فَرِغُوا خَطَبَهُمْ وَ وَعَظَهُمْ... وَ قالَ فى خُطْبَتِهِ إِعْلَمُوا أَنَّ مِلاكَ اَمْرِكُمُ الدّينُ وَ عِصْمَتَكُمُ التَّقْوى وَ زينَتَكُمُ الاْءَدَبُ وَ حُصُونُ اَعْراضِكُمُ الْحِلْمُ؛(24)هميشه على بن ابى طالب عليهماالسلام شام[و افطارىِ تهيّه شده] از گوشت را به مردم در ماه رمضان مى‌داد، ولى خود از آن [گوشت] استفاده نمى‌كرد. پس هنگامى كه [از خوردن شام] فارغ مى‌شدند، براى آنها خطبه مى‌خواند و آنها را موعظه مى‌نمود... و در خطبه‌اش فرمود: بدانيد ملاك امر [و كارهاى] شما دين است و نگه‌دارنده شما تقوا، و زينت شما ادب، و دژهاى [نگه‌دارنده] آبروى شما حلم است.»  
و امام زين العابدين عليه‌السلام نيز در طول ماه مبارك رمضان در راه خدا انفاق مى‌كرد و صدقه مى‌داد؛ چنان كه در حديثى مى‌خوانيم:«كانَ إِذا دَخَلَ شَهْرُ رَمَضانَ تَصَدَّقَ فى كُلِّ يَوْمٍ بِدِرْهَمٍ فَيَقُولُ: لَعَلّى اُصيبُ لَيْلَةَ الْقَدْرِ؛(25)(امام سجاد عليه‌السلام ) روشش اين بود كه هر روز از ماه [مبارك] رمضان درهمى صدقه مى‌داد و آن گاه مى‌فرمود: شايد [با اين كار صدقه] شب قدر را دريابم.»  
و امام صادق عليه‌السلام فرمود: «جدّم امام زين العابدين عليه‌السلام روزى كه روزه مى‌گرفت، دستور مى‌داد گوسفندى ذبح كنند و آن را تكه تكه نموده، بپزند. هنگام افطار كه نزديك مى‌شد، حضرت به ديگها سر مى‌زد تا بوى آنها را استشمام كند، در حالى كه روزه‌دار بود. سپس دستور مى‌داد ظرفها را پر كنند و يكى يكى به در خانه افراد [فقير] ببرند تا آنجا كه غذا تمام مى‌شد. آن گاه خود با نان و خرما افطار مى‌نمود.»(26)  
و همچنين امام صادق عليه‌السلام نيز شب در خانه فقرا مى‌رفت و به آنها نان و خرما مى‌داد و سفارش مى‌فرمود: «در ماه رمضان به مردم افطارى بدهيد.»(27)  
حسن ختام بحث را حالات على عليه‌السلام در رمضان آخر و به ويژه در شب نوزدهم قرار مى‌دهيم؛ چون هم تقارن شب قدر با ضربت خوردن و شهادت مولا اين را اقتضا مى‌كند، و هم نكاتى قابل عبرت ما را بر آن مى‌دارد كه اين بخش را به صورت مستقل، منتها به صورت گذرا و اشاره بيان نماييم.

گزارشى از آخرين شب قدر اميرمؤمنان، على عليه‌السّلام

على عليه‌السلام در رمضان آخر عمر خويش حال عجيبى داشت و هر شبى را در يك جا ميهمان بود. غذا كم ميل مى‌فرمودو... .  
ابن حجر چنين مى‌گويد: «هنگامى كه رمضان[آخر عمر حضرت] فرا رسيد، هر شب در منزل يكى از بستگان افطار مى‌كرد؛ شبى در منزل حسن عليه‌السلام ، شبى در منزل حسين عليه‌السلام و شبى نزد عبد اللّه بن جعفر [شوهر دخترش زينب [، و بيش از سه لقمه غذا نمى‌خورد، «وَ يَقُولُ: اُحِبُّ اَنْ اَلْقِىَ اللّهَ وَ اَنَا خِمْصٌ؛ و مى‌فرمود: دوست دارم خدا را [با شكم] گرسنه ملاقات كنم.»(28)  
در شب نوزدهم منزل دخترش، ام كلثوم ميهمان بود كه غذاى سفره آن را دو قرص نان جُو و مقدارى شير و نمك تشكيل مى‌داد. حضرت با نان و نمك افطار نمود و بيش از سه لقمه ميل نكرد و فرمود: دوست دارم خدايم را گرسنه ملاقات كنم.  
در آن شب حضرت سوره يآس مى‌خواند و مرتب به آسمان نگاه مى‌كرد و مى‌فرمود: «امشب، همان شبى است كه به من وعده ديدار داده شده است.»(29)  
استاد مطهرى رحمه‌الله مى‌گويد: «على در آن شب، انتظارى داشت و گاهى به آسمان نگاه مى‌كرد و مى‌گفت كه حبيبم به من خبر داده است و او راست گفته و هرگز دروغ نمى‌گويد... بچه‌ها تا پاسى از شب در خدمت على عليه‌السلام بودند. امام حسن عليه‌السلام به منزل خود رفت، هنوز صبح طلوع نكرده بود، نزد بابا برگشت و مستقيم به مصلّاى پدر رفت. حضرت به فرزندش فرمود: پسر جان! ديشب لحظه‌اى خوابم برد، يك دفعه پيامبر اكرم صلى‌الله‌عليه‌و‌آله را در عالم رؤيا ديدم. عرض كردم: يا رسول اللّه! من از دست اين امّت چه خون دلها خوردم. حضرت فرمودند: نفرين كن! من هم نفرين كردم كه خداوند من را از آنها بگيرد.»(30)  
الهى مردم از من سير و من هم سيرم از مردم  
نما راحت مرا اى خالق ارض و سما امشب  
على عليه‌السلام هيجان عجيبى داشت. خود مى‌گويد: هر كارى كردم، راز مطلب را نفهميدم؛ «مازِلْتُ اَفْحَصُ عَنْ مَكْنُونِ هذَا الاْءَمْرِ وَ اَبَى اللّهُ اِلاّ اَخْفاهُ؛(31) خيلى تلاش كردم كه سرّ و باطن اين امر را به دست بياورم، ولى خدا اِبا كرد، جز اينكه آن را پنهان كرد.»  
آن گاه رهسپار مسجد شد. چند ركعت نماز گذارد. سپس بالاى مأذنه رفت تا اذان بگويد.  
وقتى از بالاى مأذنه پايين مى‌آمد، مى‌فرمود:  
«خَلُّوا سَبيلَ الْمُؤْمِنِ الْمُجاهِدِ فِى اللّهِ لا يَعْبُدُ غَيْرَ الْواحِدِ  
يعنى باز كنيد راه مؤمن رزمنده در راه خدا را كه [افتخارش اين است كه] غير از [خداى] واحد را نپرستيده است.»  
آن گاه به مسجد بازگشت و مشغول نماز شد و سر از سجده برداشت كه شمشير زهراگين فرقش را شكافت. در اين حال، فرمود: «بِسْمِ اللّهِ وَ بِاللّهِ وَ عَلى مِلَّةِ رَسُولِ اللّهِ فُزْتُ وَ رَبِّ الْكَعْبَةِ...هذا ما وَعَدَنَا اللّهُ وَ رَسُولُهُ؛(32) به نام خدا و به يارى خدا و بر دين رسول خدا. قسم به پروردگار كعبه كه رستگار شدم... اين [شهادت[ چيزى بود كه خدا و رسولش به ما وعده داده بودند.»  
شب وصل است و خوش قرآن ناطق  
نيايش مى‌كند تا صبح صادق  
سر شب تا سحر او ناله كرده  
به يك شب طى رهى صد ساله كرده  
لبانش مى‌خورد آهسته بر هم  
كه گويا عرش و فرش گرديده در هم

پي نوشت :

1. ر. ك: بحار الانوار، ج 94، ص 80.  
2. كنز العمّال، على متقى هندى، مؤسسة الرسالة، ج 8، ص 534.  
3. بحار الانوار، ج 95، ص 145.  
4. همان، ج 95، ص 10.  
5. همان، ص 10.  
6. همان، ج 41، ص 21.  
7. همان، ج 43، ص 76.  
8. همان، ص 12.  
9. بحار الانوار، ج 94، ص 10؛ مستدرك الوسائل، ج 7، ص 470.  
10. وسائل الشيعة، ج 7، ص 261.  
11. مفاتيح الجنان، اعمال شب 21، ص 425.  
12. مفاتيح الجنان، ص 720.  
13. بحار الانوار، ج 80، ص 128.  
14. ر. ك: مصباح المتهجد، ص 227؛ نهج الدعوات، ص 277.  
15. وسائل الشيعة، ج 7، ص 261.  
16. بحار الانوار، ج 94، ص 7.  
17. همان، ص 4، ذيل روايت 4.  
18. همان، ح 5 و ر. ك: مفاتيح الجنان، ص 224.  
19. كنز العُمّال، ج 8، ص 545، ح 24090.  
20. وسائل الشيعة، ج 7، ص 260.  
21. بحار الانوار، ج 95، ص 10.  
22. عيون اخبار الرضا عليه‌السلام ، ج 1، ص 230.  
23. الترغيب و الترهيب، ج 2، ص 95، ح 14.  
24. سفينة البحار، ج 1، ص 703.  
25. بحار الانوار، ج 95، ص 82.  
26. من لا يحضره الفقيه، ج 2، ص 134.  
27. همان، ص 134.  
28. انوار البهيّة، شيخ عباس قمى، ص 31؛ صواعق ابن حجر، ص 80.  
29. همان، ص 80؛ ر.ك: زندگى اميرالمؤمنين، رسولى محلّاتى، ج 2، ص 247.  
30. نهج البلاغة، صبحى صالح، ص 99؛ انسان كامل، مرتضى مطهرى، ص 45.  
31. منتهى الآمال، ج 1، ص 126؛ نهج البلاغة، خطبه 177.  
32. نهج البلاغة، صبحى صالح، ص 379؛ زندگانى اميرالمؤمنين، ج 2، ص 321؛ انسان كامل، مرتضى مطهرى، ص 49.  
برگرفته از : مجلات ‌مبلغان شماره 59

منبع: سایت راسخون به نقل از سایت حوزه